

آلبر کامو

---

# افسانه‌ی سیزیف

---

ترجمه‌ی دکتر محمود سلطانیه

با پیشگفتاری از:

دکتر حامد فولادوند

Camus, Albert

کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م.

افسانه‌ی سیزیف / آلبر کامو، ترجمه محمود سلطانیه. - تهران: جامی، ۱۳۸۲

۱۶۰ ص. - (ادبیات جهان: ۳۵)

ISBN: 964-7468-35-0

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: MYthe de sisyph = the myth of sisyphus, and other essays.

۱. مقاله‌های فرانسه - قرن ۲۰ م. ۲. پرچی (فلسفه). الف. سلطانیه، محمود، ۱۳۲۶ -

مترجم. ب. عنوان.

۸۸۴/۹۱۴

۷ الف ۸۳ الف / PQ۲۶۳۴

۱۳۸۲

م۸۲-۵۷۳۲

کتابخانه ملی ایران



خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، شماره ۱۶۲

تلفن ۶۴۰۰۲۲۳ - ۶۴۶۹۹۶۵

افسانه‌ی سیزیف

آلبر کامو

ترجمه‌ی دکتر محمود سلطانیه

با پیشگفتاری از دکتر حامد فولادوند

چاپ نخست: ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۶۵۰ جلد

چاپ: فراین

طرح جلد از: شهرزاد میرزاحسابی

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۶۴-۷۴۶۸-۳۵-۰

ISBN: 964 - 7468 - 35 - 0

## فهرست مطالب

|     |                  |
|-----|------------------|
| ۵   | پیشگفتار         |
| ۱۵  | یک استدلال پوچ   |
| ۱۷  | پوچی و خودکشی    |
| ۲۵  | دیوارهای پوچ     |
| ۴۴  | خودکشی فلسفی     |
| ۶۹  | رهایی پوچ        |
| ۸۷  | انسان پوچ        |
| ۹۳  | دون ژوان گرایی   |
| ۱۰۳ | کمدی             |
| ۱۱۲ | فتح              |
| ۱۲۱ | آفرینش پوچ       |
| ۱۲۳ | فلسفه و رمان     |
| ۱۳۵ | کریلف            |
| ۱۴۵ | آفرینش بدون فردا |
| ۱۵۳ | افسانه‌ی سیزیف   |

## پیش‌گفتار

# نیچه و آلبر کامو: شورش با دلایل

«جامعه سیاسی معاصر به دستگاهی مبدل شده است که انسان‌ها را  
نومید و دلسرد می‌کند و من نمی‌توانم این وضع را بپذیرم.»  
(کامو، چرا اسپانیا؟)<sup>۱</sup>

زمان جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه است. در ماه ژانویه سال  
۱۹۴۱ آلبر کامو همراه همسرش وارد بندر اُران Oran در کشور الجزایر  
می‌شود. نویسنده که بیست و هشت ساله است به بیماری سل مبتلی  
است و به مدت بیش از یک سال و نیم در این شهر «زشت، کسل‌کننده  
و پرگرد و غبار» اقامت خواهد کرد.<sup>۲</sup> خانه‌ای که کامو در آن سکونت  
برمی‌گزیند متعلق به خانواده همسرش است و در محله اروپایی نشین  
شهر واقع شده است. در این منزل پر نور نگارش «افسانه‌ی سیزیف»  
Le mythe de Sisyphe صورت می‌گیرد.<sup>۳</sup>

اسطوره یا افسانه‌ی سیزیف به ماجرای پادشاه یونان باستان (گویا  
سیزیف پدر اولیس Ulysse بوده) اشاره دارد که از سوی خدایان به  
انجام کاری عبث absurde و غیرانسانی محکوم می‌شود (سیزیف  
مجبور است تا ابد سنگی را از کوه بالا ببرد و سپس آن را پایین بیاورد)  
و کامو از این اسطوره قرائت خاصی ارائه می‌دهد. او با این اثر فلسفی  
دیدگاه خود را در مورد سرنوشت بشر، جهان و هستی ترسیم می‌کند

۱. ر.ک. به: Pourquoi l'Espagne? in *Combat* 1948

۳. همانجا

۲. ر.ک. به: A. Djemai in *Qanara*, 1995, n14, p. 75

و به بررسی مضامین کلیدی مانند پوچی، خودکشی، عصیان و آزادی می‌پردازد. از نظر کامو «تنها مسأله فلسفی جدی خودکشی است» ولی پذیرش و درک پوچی جهان به عصیان آدمی می‌انجامد زیرا شور زندگی و انسان‌دوستی ما را به اعتراض می‌خواند و نه به سوی تسلیم و مرگ. سیزیف با مورسو Meursault، شبهه قهرمان داستان «بیگانه» خویشاوند است، زیرا هر دوی آنها عصیان خود را در برابر نامعقولی جهان و بی‌منطقی دائم جامعه‌ی (به ظاهر) انسانی ابراز می‌کنند. سیزیف متوجه شده که دنیا عاری از معنا و لبریز از ستم و درد است، اما او به ظلم حاکم بر جهان گردن نمی‌نهد و هرگز از پای نمی‌نشیند. آری، سیزیف یک شورشی است و به مانند کامو «اهل نبرد»<sup>۱</sup> است و پیوسته تمامی نیروی خود را برای تغییر این جهان نابِه سامان و پوچ به کار می‌گیرد، زیرا زندگی کردن نه تنها کام‌جویی بلکه مبارزه با «ضخامت» بیهودگی، آشفتگی و ستم‌گری موجود می‌باشد. کامو که این هستی خاکی را یگانه حقیقت می‌انگارد معتقد است که در جهان کنونی تنها انسان اهمیت و معنا دارد و رسالت آدمی چیزی جز ساختن نظم انسانی نمی‌باشد. در واقع، تداوم نبرد و شورش فرد «غریب» برای خوشبختی می‌باشد و افسانه تلخ سیزیف حاوی مضمون مهم شکوفایی حیات و زندگی است. به عبارتی دیگر، سیزیف پوچ مآب (= کامو) زیبایی و لذت این دنیای خاکی را نیز می‌جوید و با سماجت و پشتکار بهشت و جهنم خود را بر روی همین کرهٔ زمین می‌طلبد. به طور خلاصه می‌توان گفت که سیزیف نماد

۱. آلبر کامو در روزنامه مشهور «نبرد» Combat فعالیت می‌کرد و عضو نهضت مقاومت Résistance بود. «پوچ نگری» او به انفعال و تسلیم منتهی نمی‌شود...

عصیان و پوچ‌زدایی و جهاد آدمی برای خوشبختی<sup>۱</sup> است. کتاب کامو، شهروند آگاه را به شورشی خلاق، سازنده و غیر ایدئولوژیک برای دفاع از منزلت بشر دعوت می‌کند.<sup>۲</sup>

به لحاظی «افسانه‌ی سیزیف» به نقد مدرنیته modernité و انسان متجدد می‌پردازد. درواقع، احساس پوچی و شوریده‌دلی نتیجه فقدان معنا و گسترش نیست انگاری nihilisme درون جامعه مدرن است. روند تجددمآبی معاصر افسون‌زدایی désenchantement و تقدس‌زدایی désacralisation را با خود می‌آورد<sup>۳</sup> و پی «دیوارهای پوچی» را می‌ریزد.<sup>۴</sup> سیزیف (یا مورسو) شاهد و قربانی تکرار کسل‌کننده زندگی (ماشینی - مکانیکی) یک‌نواخت می‌باشد و در گرداب ناآرامی (L'intranquillité پسوا) و عدم شور و شوق کشیده می‌شود. دلشوره (Angst هایدگر)، تهوه (la nausée سارتر) و از خودبیگانگی (aliénation مارکس) حالت‌های روحی فرد عصر مدرنیته را بیان می‌کنند. از منظری می‌توان گفت که شکل‌گیری رفتار و گفتار پوچ انسان قرن بیستم نوعی واکنش به تجدد ابزاری و سرکوبگر دوران است. اگر به متن این اثر بیشتر دقت کنیم متوجه می‌شویم که

۱. ر.ک. به: R. de Luppé, *Albert Camus*, éd. Universitaires, 1960 و کتاب «مرگ خوش» که به لحاظی پیش‌نویس «بیگانه» L'Etranger است: *La mort heureuse*, Cahiers Albert Camus, Gallimard 1971, pp. 7-19.

۲. کامو از عصیان و تعهد انسانی دفاع می‌کند و شورشی که بر بیش عقیدتی جزمی استوار باشد غیرانسانی می‌داند. در مورد موضع‌گیری‌های کامو در برابر سارتر Sartre و ایدئولوژی توتالیتیر totalitaire ر.ک. به: *L'homme révolté* éd. Gallimard 1951.

۳. ر.ک. به: Max Weber, *L'éthique protestante et l'esprit du capitalisme*, éd. Plon, 1964, p. 122. اصطلاح «افسون‌زدایی» معادلی برای désenchantement / Entzauberung است. شاعر بزرگ شیلر Schiller واژه Entzauberung را پیش از ماکس وبر به کار برده

است. ۴. ر.ک. به: R. de Luppé, *op. cit.*, p. 21.

کامو مدام به اندیشمندانی مانند هایدگر، یاسپرس Jaspers، کیرکه‌گور Kierkegaard، چستوف Chestov، داستایوسکی Dostoievski، شوپنهاور Schopenhauer و نیچه ارجاع می‌کند<sup>۱</sup>، یعنی او به کسانی که ارزش‌ها و عقاید مدرن را نقد کردند متوسل می‌شود زیرا کامو خود را با آنان کم و بیش هم‌عقیده یا «خویشاوند» می‌داند. در میان متفکران نام برده کامو برای نیچه اهمیت خاصی قائل است و در ابتدا تأثیرپذیری کامو از نیچه را مورد توجه قرار می‌دهیم<sup>۲</sup>.

اغلب نویسندگان فرانسه قرن بیستم تحت تأثیر نوشته‌ها و به ویژه افکار سرکش و دیوئیزوسی نیچه قرار گرفتند<sup>۳</sup>. در بین آنان می‌توان به آندره ژید A. Gide، مؤلف «مائده‌های زمینی»، سنت اگزوپری Saint Exupéry خالق «شاهزاده کوچولو»، و آندره مالرو A. Malraux نویسنده «سرنوشت بشر» اشاره کرد<sup>۴</sup>. بدون شک، علاقه‌مندی کامو به ژید و مالرو<sup>۵</sup> نیچه‌مآبی وی را تشریح کرده است. در نخستین نوشته‌های آلبر کامو، یعنی «الهامات» و «رساله در باب موسیقی»<sup>۶</sup>،

۱. ر.ک. به: فصل اول کتاب حاضر.

۲. در مورد مفهوم «تأثیر»، «خویشاوندی» فکری و شرایط تأثیرپذیری ر.ک. به: حامد فولادوند، در شناخت نیچه، نشر نادر ۱۳۸۴، ص ۹۱.

۳. ر.ک. به:

P. Boudot, *Nietzsche et les écrivains français* éd Aubier - Montaigne 1970; Jean Lacoste, *Nietzsche et la civilisation française* in *Oeuvres Complètes* éd, Bouquins 1993; Jacques Le Rider, *Nietzsche en France*, éd. PUF 1999.

P. Boudot, *op. cit.*, pp. 55-162.

۴. ر.ک. به:

۵. ر.ک. به: R. De Luppé *op. cit.* p.11 و نیز:

P. de Boisdeffre, *Les écrivains français d'aujourd'hui* éd PUF, 1963. p. 33-34.

۶. ر.ک. به: *Essai sur la musique, Intuitions*. این متون را کامو در نوزده سالگی نوشته است. ر.ک. به:

R. Grenier, *Sisyphé et les autres* in *Magazine littéraire*. 3/2001. p. 104.

بازتاب مضامین «زایش تراژدی» نیچه دیده می‌شود و شاید بتوان گفت که عقاید نیچه در حوزه نمایش ذوق تأثیری کامو نوجوان را دوچندان کرده است. در سن بیست و پنج سالگی کامو ژمان «مرگ خوش» (۱۹۳۸) را می‌نویسد و چهره دیونیزوس و مقوله «اراده معطوف به خوشبختی» نشان می‌دهد که کامو عصیانگری قهرمان داستان خود را با اندیشه «خلاف زمانه» نیچه تغذیه می‌کند.<sup>۱</sup> در اثر فلسفی «افسانه‌ی سیزیف» (۱۹۴۲) حضور نیچه آشکار و ساختاری است در حالی که در «نامه به دوستی آلمانی» (۱۹۴۵) تنها رد پای زرتشت را می‌یابیم.<sup>۲</sup> در دوران جنگ و مبارزه با فاشیسم تأثیر ادامه دارد و کامو معتقد است که باید از سقراط و عقلانیت دفاع کرد هر چند که کامو همانند نیچه از خرد شیفتگی بیزار است.<sup>۳</sup> پس از پایان جنگ، همچنان نیچه سرکش در آثار کامو حضور دارد زیرا مطالب اصلی «انسان عاصی» (۱۹۵۱) و «نیچه و نیست‌انگاری» (۱۹۵۱) مدام به جهان‌بینی فیلسوف «عاصی» آلمانی اشاره دارد.<sup>۴</sup> در ماه مارس ۱۹۵۹، کمی پیش از تصادف مرگبارش، برنده جایزه نوبل ادبیات (۱۹۵۸) جمله‌ای از نیچه در دفترچه‌های خود یادداشت می‌کند: «هیچ درد و رنجی نمی‌تواند علیه حیات و زندگی شهادت دهد».<sup>۵</sup>

۱. ر.ک. به: فصل دهم «مرگ خوش» و R. Grenier, *op. cit.*, p. 104.

۲. ر.ک. به: P. Boudot, *op. cit.*, p. 124.

۳. ر.ک. به: R. Grenier *op. cit.*, p. 104. کامو خرد شیفته نیست اما در یادداشت‌های ۱۹۴۳ خود از سقراط «جدل‌باز» ستایش می‌کند زیرا متوجه شده که حکومت آلمان نازی Nazi دارد از برخی اندیشه‌های نیچه بهره‌برداری ایدئولوژیک می‌کند. ر.ک. به: Carnets.

1962

۴. ر.ک. به: L'homme révolté, Gallimard 1951 و نیز

Nietzsche et le nihilisme in Temps Modernes Août 1951.

۵. ر.ک. به: R. Grenier, *op. cit.*, p. 104.

بدین ترتیب، بیش از سی سال کامو شعله عصیان خود را با آتش اندیشه‌ی نیچه بارور ساخت. تداوم علاقه و توجه آلبر کامو به فریدریش نیچه نشانگر وجود برخی تشابهات و همدلی‌ها (کارآفرینی، دگراندیشی، نقد ارزشهای حاکم... آزادگی) میان آنان است. در این پیش‌گفتار نمی‌توان به تمامی قرابت‌ها و تفاوت‌های این دو اندیشور پرداخت و در نتیجه به طرح نکات زیر اکتفا می‌کنیم:

۱- از نظر نیچه و کامو جهان و زندگی بشر فاقد منطق و عقلانیت می‌باشد<sup>۱</sup>. کامو بر تنهایی آدمی و پوچی دنیا تکیه می‌کند و نیچه به وضع پریشان‌گیتی و نابخردی فرایند کره زمین. نیچه حرکت و گردش گیتی را متضاد و آشفته (مانند خائوس Chaos هراکلیت) می‌داند و نقش عقلانیت را ناچیز می‌شمرد: در سیر جامعه‌ی بشری عقل تنها «چاشنی» و «رشته‌ای نازک» است<sup>۲</sup>.

۲- گرچه هر دو آنان اهل خردورزی‌اند اما با خردزدگی (= کیش و پرستش عقلانیت) و «منطق‌بازان» مخالفت می‌کنند. کامو می‌نویسد: «عقل در برابر دل ناتوان است»<sup>۳</sup> و عملاً با دیونیزوس (= جن دل *génie du coeur*) نیچه هم‌صدا می‌شود. البته کامو فرزند دکارت است و نقدی «متعادل» از عقلانیت صورت می‌دهد<sup>۴</sup>، در حالی که نیچه «خردگریز»<sup>۵</sup> بدون ملاحظه بر ایدئولوژی خردشیفتگی می‌تازد.

۱. ر.ک. به: «افسانه سیزیف»، فصل اول.

۲. ر.ک. به: K. Jaspers, *Nietzsche*, éd. Gallimard, 1950, p. 218.

۳. ر.ک. به: «افسانه سیزیف»، آخر فصل استدلال پوچ.

۴. کامو اهل «میزان» *mesure* و نسبیّت *relativité*. ر.ک. به:

R. de Luppé, *op. cit.*, pp. 45-46

۵. در مورد خردورزی و خردگریزی نیچه ر.ک. به: هانس گئورگ گادامر، نیچه و مکتب فوآنکفورت، ترجمه‌ی حامد فولادوند، نشر مهرنوشا ۱۳۸۴، مقدمه.

۳- هم نیچه و هم کامو جهان و بی دادگری موجود را نمی‌پذیرند زیرا چنین وضعیتی نفی انسانیت می‌باشد. هر دو آنان معترض‌اند و هر کدام به خاطر آدمی راه عصیان و شورش را برمی‌گزینند. کامو و نیچه «عصیانگر» امیدی به انقلاب اجتماعی - سیاسی ندارند زیرا از منظر آنها فرد آگاه و آزاد مرد نه تنها «زمانه» و حکومت را، بلکه کل آفرینش را زیر سؤال می‌برد.<sup>۱</sup> در نهایت، شورشی که این دو فیلسوف مطرح می‌کنند جنبه وجودی، متافیزیکی و فراتاریخی دارد و بر «تحول» فرد و نه جمع استوار می‌باشد: انسان آگاه و متعهد کامو و ابرانسان (= انسان کامل) نیچه به لحاظی جانشین خداوند مسیحیت می‌شود.<sup>۲</sup>

۴- گرچه کامو و نیچه نامعقولی کیهان و جامعه را قبول ندارند ولی حیات و زندگی را می‌پذیرند، یعنی هر دو آنان به مانند اپیکور یونانی اهل خوشبختی‌اند: سیزیف محکوم است اما شور و شوق زندگی را از دست نمی‌دهد و حتی «خوشبختی پوچ» را سرنوشت خویش می‌داند. انسان پوچ کامو هر لحظه به پوچی آری می‌گوید<sup>۳</sup>،

۱. ر. ک. به: R. de Luppé, *op. cit.*, pp. 41-44. خود کامو معتقد است که «فلسفه نیچه بر محور مسئله عصیان می‌چرخد» ر. ک. به: L'homme révolté, *op. cit.* p. 91 در مورد نگرش سیاسی نیچه ر. ک. به:

S. Goyard - Fabre, *Nietzsche et la question politique* éd. Sirey, 1977

فراموش نکنیم که دیونیزوس نیچه «انقلابی» نیست بلکه یک «یاغی» اهل دل (۱) است که «بازگشت ازلی» را اعلام می‌کند.

۲. در زمان «طاعون» کامو، تارو Tarron پزشک یار داستان می‌خواهد «قدیمی بدون خدا» شود. ر. ک. به: R. de Luppé, *op. cit.*, pp. 90-98. مضمون «خداشنودگی» نیز در آثار عرفای اسلامی مانند ناصرخسرو مطرح شده است و مضمون «مرگ خدا» نیچه نیز مرگ «دل» آدم متجدد از خدا گسسته را مد نظر دارد.

۳. کامجویی غنیمت شمردن لحظه، و لذت مضامین کلیدی آندره ژید (و خیام) اند و کامو در برخی از آثارش آنها را با ظرافت به کار گرفت است. ر. ک. به:

R. de Luppé, *op. cit.*, p. 26, 115-118; *Noce* 1938; *L'Été* 1954.

همان‌طوری که انسان تراژیک نیچه «عشق به سرنوشت» دارد<sup>۱</sup> و به نیک و بد روزگار مدام آری می‌گوید.

۵- نه تنها همسانی یا خویشاوندی فکری (عشق به زندگی و انسان، خردگریزی، شورش در برابر زمانه خشن و... غیره) کامو را به نیچه علاقمند کرده بلکه ذوق ادبی و آفرینش هنری (شعر، تأثر، موسیقی) پیوند این دو فیلسوف - نویسنده را تحکیم بخشیده است.<sup>۲</sup> در نتیجه، برخی از شخصیت‌های کامو «رنگ و بو» نیچه‌یی دارد: مثلاً گفته می‌شود که «بیگانه» همان زرتشت نیچه است بدون بُعد پیامبرگونه‌اش.<sup>۳</sup>

می‌توان هم چنان مقایسه‌ها را ادامه داد و تاثیرپذیری کامو را دقیق‌تر ارزیابی کرد اما سخن را کوتاه می‌کنیم.

در پایان یادآور می‌شویم که «افسانه‌ی سیزیف» با سرودی از شاعر یونان باستان پندار Pindare افتتاح می‌شود. کامو می‌داند که گفتار معروف پندار «بشو آنچه که هستی» *Deviens qui tu es* شعار زندگی نیچه بوده است. با نوشتن این اثر پربار آلبر کامو (جوان) به «آنچه که هست» نزدیک می‌شود. کامو، کامو می‌شود.

دکتر حامد فولادوند

۲۴ فروردین ۱۳۸۴

۱. مضمون *amor fati* نیچه بیانگر پذیرش حیات و روزگار است و به مفهوم «رها» نزدیک می‌باشد.

۲. کامو به مانند نیچه از دوران نوجوانی اهل شعر و نمایش نوازدی بوده است. در سال ۱۹۵۵ کامو یکی از کارهای دینو بوزاتی *Dino Buzzati* را به روی صحنه آورد.

۳. ر. ک. به: P. Boudot, op. cit. p. 120.

ای روح من  
زندگانی جاودانه را خواهان مباش،

اما

موضوع ممکن را  
تا ژرفایش بررسی نما<sup>۱</sup>

برگ‌های پیش‌رو گونه‌یی حساسیت پوچ رایج این سده را مورد کنکاش قرار می‌دهد و نه فلسفه‌ی پوچ را که می‌توان گفت برای دوران ما ناشناخته باقی مانده است. ادب ایجاب می‌کند در همین آغاز گفته شود که این نوشته و امدار پاره‌یی ذهنیت‌های امروزی نیز هست. من بر آنم که چیزی را نگفته نگذارم تا همگان در روند این نوشتار با اشاره‌ها و تفسیرهای من آشنا شوند.

گفتنی است که پوچ را تا به امروز همچون سرانجام کار پنداشته‌اند، اما این کندوکاو آن را به منزله‌ی سرآغاز حرکت انگاشته است. از همین‌رو و با تکیه بر این انگار می‌توان گفت تفسیرهای من جنبه‌ی موقتی دارد. نباید در باره‌ی آنچه از این پس آورده می‌شود به پیشداوری پرداخت، زیرا من تنها به حالت ناب ذهنیتی رنجور پرداخته‌ام. این کنکاش به هیچ آیین، اعتقاد و متافیزیکی نپرداخته و تنها به بررسی حد توانایی‌ها بسنده کرده است.